نقش جهان/سال چهارم / شماره یک
صفحات: ۳۵-۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۲/۱٤
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۶/۲۵

بازآفرینی نظام مفهوم و معنای باغ ایرانی در باغ‌شهر ایرانی- اسلامی

Recreation of the Persian Garden's Conceptual System in Islamic-Iranian Garden City

■ محمد رضا مثنوی[1]، فریبا وحیدزادگان[2]

چکیده

مفهوم باغ ایرانی در طی تاریخ به‌عنوان جوهره‌ای پویا برای تجلی فضایی متعالی در پارادایم‌های فکری و عقیدتی مختلف حضور یافته است. باغ ایرانی یک سیستم به‌هم پیوسته و چندسطحی است که جدای از ساختار اصلی باغ، یک حس تعلق و حس مکان ایجاد می‌کند؛ در نتیجه ایجاد باغ ایرانی با تقلید صرف از شکل ساختاری آن ساده‌انگارانه و تک‌بعدی خواهد بود. متأسفانه کهن‌الگوی باغ ایرانی که ارتباط کاملی با زندگی روزمره و حیات پویای شهر داشته و عنصر اساسی ساختار طبیعی-مصنوع شهر را شکل می‌داده است از کالبد شهرهای معاصر امروزی رخت بربسته است. به‌منظور بازگرداندن باغ ایرانی به عرصه معماری و شهرسازی معاصر و انطباق آن با نیازهای نوین زندگی شهری، هدف این پژوهش ارائه راهکارهای بازیابی باغ ایرانی در تلفیق و ارتباط تنگاتنگ با کاربری‌های شهر امروزی، به‌عنوان الگویی برای باغ‌شهر ایرانی-اسلامی تحت عنوان ایده باغ‌شهر تماتیک (موضوعی) است. لذا ابتدا به بررسی چگونگی استفاده از کهن‌الگوی باغ ایرانی بدون نیاز به تقلید صرف از شکل ساختاری و کالبدی آن در ترکیب با شهرهای امروز می‌پردازد؛ سپس چگونگی ادراک و شناسایی باغ توسط بیننده و حس مکان و لایه‌های معنایی آن را جهت بهره‌گرفتن از آن در طراحی سایر فضاها و محوطه‌های شهری مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: *باغ ایرانی، بازآفرینی، باغ‌شهر موضوعی، شهر ایرانی-اسلامی*

۱. دانشیار گروه مهندسی طراحی محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email: Masnavim@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، مدرس گروه مهندسی فضای سبز، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان(خوراسگان)، اصفهان، ایران
Email: f.vahidzadegan@yahoo.com

۱. مقدمه

فرآیند تحول طراحی شهری به‌گونه‌ای گسترش یافته که افزون بر دغدغه‌های همیشگی و سنتی آن پیرامون زیبایی‌شناسی محیط، اینک فرآیند پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در آن هرچه بیشتر شده است (Golkar, 2011, 3). مفهوم باغ ایرانی در طی تاریخ به‌عنوان جوهره‌ای پویا برای تجلی فضای متعالی در پارادایم‌های فکری و عقیدتی مختلف حضور یافته است و کارکرد و دامنه حضور آن به اشکال مختلف نظیر باغ‌میدان، باغ‌مقبره، باغ‌شکار، باغ‌مدرسه‌ها و... بروز یافته است. بنابراین باغ ایرانی یک سیستم به‌هم پیوسته و چندسطحی از ساختار، عملکرد، معنا، احساس، اقلیم، فضا، مکان و زیستگاه را در یک بستر فرهنگی مشخص تشکیل می‌دهد که در نهایت حس مکان[1] یا روح مکان[2] را در آن فضا می‌دمد. در نتیجه ایجاد باغ ایرانی با تقلید صرف از شکل ساختاری آن ساده‌انگارانه و تک‌بعدی خواهد بود. متأسفانه این کهن‌الگوی باغ ایرانی از کالبد شهرهای معاصر امروزی رخت بربسته و این فضاها صرفاً به موزه‌هایی برای گذران اوقات فراغت تبدیل شده است. این در حالی است که در فلسفه وجودی و گونه‌شناسی باغ ایرانی، عملکرد باغ ارتباط کاملی با زندگی روزمره و حیات پویای شهر داشته و عنصر اساسی ساختار طبیعی-مصنوع شهر را شکل داده است. از مهمترین اصولی که احساس باغ ایرانی را در بیننده زنده می‌کند ترکیب شدن آن با محیط بستر و اجبار نکردن محیط به پذیرش زیبایی است. در واقع باغ ایرانی مفهوم عینی گوش‌دادن به کلام زمین[3] است که اساسی‌ترین اصل در طراحی پایدار محیط است. پس از آرمان‌شهرهایی نظیر باغ‌شهر[4]هاوارد و شهر حومه گسترده[5] فرانک لوید رایت و شهر درخشان[6] لوکوربوزیه که هر کدام برای چندین دهه الگوی ساخت شهرها بودند و پوسته زمین را به‌شکلی توسط انسان‌ها تغییر داده‌اند تا به بهترین و ایده‌آل‌ترین شرایط برای زندگی و شهرسازی بر روی کره خاکی برسند، سؤال انسان امروزی از اواخر قرن بیستم و ابتدای هزاره سوم مبنی بر اینکه شهر ایده‌آل کجاست همچنان به قوت خویش باقی است (Masnavi, 2011). در واقع انسان شهرنشین میان انبوه امکاناتی که برای راحتی فیزیکی خود مهیا کرده اکنون در شرایطی است که برای اتصال ذاتی‌اش به طبیعت گمشده و کسب لحظه‌ای آرامش در بی‌قراری دائمی گرفتار شده است. به‌طوری که با توجه به بحران عصبی عصر ما، نیاز ساکنان کره خاکی به آرامش مهم‌ترین و ارجح‌ترین نیاز خصوصاً در محیط‌های شهری است. از یک‌سو دنیای پر تنش و آشفته امروز و از سوی دیگر تأثیر خوشایند طبیعت بر بهداشت روان انسان و همچنین نیاز سرشت انسان به احساس نزدیکی به طبیعت، انسان، طبیعت و تأمین بهداشت روان را در دنیای امروز لازم و ملزوم هم می‌نماید. در طراحی شهرهای امروز تلاش می‌شود تا طبیعت در قالب پارک‌های شهری به‌عنوان محیط زندگی متجلی شود، اما این موضوع نتوانسته به نیازهای روانی انسان پاسخ کاملی بدهد (Shahcheraghi, 2011, 39).

از اصلی‌ترین موضوعاتی که عامل بیداری، آگاهی و کمال انسان و یا بالعکس غفلت و غوطه‌ور شدن او در قلمرو زندگی فیزیولوژیک و دنیایی است، مجموعه محیط و فضای زندگی انسان است. زیرا مجموعه بسیاری از عناصر و اجزاء و اصول و مفاهیم و رفتارها و فضاها و معانی است، همچنین انسان را به انجام رفتارهایی دلالت می‌کند و نیز ارزش‌هایی را به او القاء می‌کند (Naghizadeh, 2013, 28). ارتباط انسان با محیط خارج بی‌واسطه نیست و انسان برای این ارتباط از فیلتری بین خودش و فضای بیرون استفاده می‌کند که به آن فضای روانی گویند. این فضا شامل لایه‌های متفاوتی مانند دانش، تجربه، هنجار، ارزش، خاطره و... است. این فضای روانی است که حکم می‌کند چه چیز را ادراک و چگونه رفتار کند. هر جامعه‌ای بر مبنای فرهنگش دارای فضای روانی و دستگاه هنجاری خاصی است که بایدها و نبایدها در محدوده آن شکل می‌گیرند و رفتارها بازتاب این بایدها و نبایدها هستند. رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج و ناشی از ادراک و معنایی است که این تصویر برای او دارد. فرهنگ، اجتماع، زمان و فضا بر بروز رفتارها مؤثرند. رفتار شدیداً به محیط وابسته است؛ محیط می‌تواند رفتارها را از طریق القاء یا حذف آنها کنترل نماید (Pakzad, 2002, 35) این در حالی است که طراحی منظر محوطه‌های باز و سبز شهری امروز تبلور آگاهانه‌ای از فرهنگ و نیازهای رفتاری استفاده‌کنندگان نیست بلکه نتیجه فرآیندی است که اغلب در اثر تحمیل مقاصد، الگوهای تقلیدی و یا استانداردها و تکنولوژی پدید می‌آید. وجود نگاهی غیراختصاصی به منظر درخصوص کاربری، به‌گونه‌ای که طراحی منظر بدون در نظر گرفتن نیازهای رفتاری استفاده‌کنندگان و تنها به‌عنوان تبلور کالبدی نیازهای ظاهری افراد صورت می‌گیرد، سبب یکنواختی و تشابه منظر از مقیاس کوچک یک حیاط یا محوطه بیمارستان تا پارک‌های شهری شده است در حالی که آنچه منظر باشد برای ناظر تأمین کند؛ از نیاز به تمرکز و سکوت و جدایی از محیط اطراف در منظر یک کتابخانه، آرامش و کاهش استرس و شفابخشی در منظر یک بیمارستان تا احساس عبرت و بازگشت به‌خود در منظر یک آرامستان شهری و ... متفاوت است. طراحی منظر باید نیازهای رفتاری و روانی مردم را به‌صورت ترکیبی متناسب از عناصر بصری (گیاه، آب و...) و فعالیت‌هایی در فضای کالبدی بیان کند. چنانچه منظر شهری فاقد طراحی بر اساس ارزش‌های فرهنگی و نیازهای روانی-رفتاری افراد باشد این منظر تنها تبلور کالبدی تقاضای ظاهری افراد خواهد بود. میزان سازگاری فضاها با نیازها (مادی و روانی)، نحوه فعالیت و رفتارهای جاری در آن معیار مهمی برای سنجش سلامت، توانایی و هماهنگی هر جامعه است. جامعه‌ای که نتواند بستر مناسبی را برای ارضای نیازهای اعضای خود فراهم آورد نمی‌تواند دعوی دارا بودن غنای فرهنگی سردهد (Pakzad, 2002, 37). با طراحی باغ‌های موضوعی،[7] ساخت، گونه و ترتیب قرارگیری محوطه‌های باز و سبز کاربری‌های شهری از تنوع لازم برخوردار شده و قادر خواهند بود نیازهای رفتاری-روانی استفاده‌کننده را در فضایی برگرفته از فرهنگ وی و در پیوند با فضای مورد نیاز کاربری برآورده سازند. طراحی باغ‌های موضوعی راهی برای بازگرداندن فضای سبز به همان‌صورت اصیل خود یعنی باغ ایرانی در تلفیق با کاربری‌های شهری به شهر امروزی است. بدین‌صورت تم اصلی، شهر و کاربری‌ها و فضاهای سبز و باز شهری با رعایت اصول باغ ایرانی به‌صورت باغ‌های تماتیک طراحی می‌شوند.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش با در نظر داشتن سؤال چگونگی بازگرداندن باغ ایرانی به عرصه معماری و شهرسازی معاصر و انطباق آن با برنامه‌ریزی و طراحی محیط زیست شهری با توصیف محتوای کیفی باغ ایرانی به بررسی مؤلفه‌های مؤثر در ادراک فضا و حس مکان قوی باغ به‌عنوان فضایی متمایز از سایر فضاهای طراحی شده در ملل دیگر پرداخته شده است. سپس لایه‌های معنایی باغ جهت بهره‌گیری و انطباق آن با پارادیم‌های فکری-عقیدتی عصر حاضر در طراحی سایر فضاها و محوطه‌های شهری امروز مورد بررسی قرار گرفته است و در نهایت با

تحلیل لایه‌ها به چگونگی استفاده از کهن‌الگوی باغ ایرانی، بدون نیاز به تقلید صرف از شکل ساختاری و کالبدی آن در ترکیب با کاربری‌های لاینفک شهرهای امروز پرداخته می‌شود.

۳. منظر، باغ، شهر

ارتباط میان منظر و سلامت روان برای مدت طولانی در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف مورد توجه بوده است. محیط طبیعی می‌تواند موجب بازیابی روانی و کاهش استرس‌های فردی باشد. محیط مصنوع بر اساس نیاز انسان شکل می‌گیرد و محیط طبیعی بر اساس نظام باورهای انسان و نیازهای او سازمان می‌یابد. اگر ارتباط میان انسان، طبیعت و محیط مصنوع دلخواه باشد سلامت و بهداشت روان در جامعه نیز به‌عنوان کیفیتی امیدبخش اوج می‌گیرد (Shahcheraghi, 2011, 37). کاشت گیاهان سبز عناصر مصنوع سخت و خشن را به حداقل رسانده، موجب پدید آمدن غنای حسی در محیط می‌شود و در فرد ادراکی خوشایند و دلپذیر ایجاد می‌کند. همچنین با غلبه بر محیط مصنوع به سلامت روان منجر می‌شود(Van den Berg & Mass & Verheij & Groenewegen, 2010, 1204). متغیرهای زیادی از قبیل آب و هوا، صدا، آب، نور و حاشیه فضاها در تصمیم‌گیری به‌منظور افزایش سلامت روان مؤثر است (Naderi & Raman, 2005, 156). به‌عنوان مثال شنیدن صدای آب سبب ایجاد احساس آرامش و امنیت در افراد می‌شود و تجدید قوا و رهایی از فشارهای روانی را به‌همراه دارد. در این صورت اگر فضای آبی به‌عنوان منظره مثبت و ارزشمند در نظر گرفته شود، آن محل برای مشارکت اجتماعی اولویت خواهد داشت (Volker, 2011, 2). این عقیده که مشاهده آب و گیاه و شنیدن آوای حاصل از عناصر طبیعی، استشمام رایحه گیاهان و محرک‌های چشایی و لامسه پنج حس را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تمرکز آن می‌تواند بر کاهش استرس مؤثر باشد، در آسیای اولیه (چین، یونان و روم) نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است (Velarde, 2007, 199). زمانی که طبیعت توجه افراد را به‌خود جلب می‌کند سیستم اجرایی که توجه هدایت‌شده را کنترل می‌کند، استراحت کرده و افکار منفی جای خود را به افکار مثبت می‌دهد. طولانی‌شدن این وضعیت می‌تواند مسائل مهمی از جمله اولویت‌ها، اهداف و جایگاه فرد در مقیاس بزرگ‌تر را تحریک کند. این امر کمک می‌کند تا فرد حس و جهت جدید را در زندگی پیدا کند (Van den Berg & Mass & Verheij & Groenewegen, 2010, 1204).

الگوی باغ ایرانی حاصل خلق و توسعهٔ یک پدیدهٔ فرهنگی ایدئولوژیک بوده است. اگر بپذیریم که مردم بخش مهمی از هویت خود را از محیط می‌گیرند و نسبت دادن خود به یک محیط (و الگوهای غالب در آن) آنها را به عده خاصی شبیه و نزدیک می‌کند، آنگاه می‌توانیم اهمیت نقش الگوهایی چون «باغ ایرانی» را بیشتر درک کنیم. پس عملکرد باغ ایرانی از حوزه تلطیف هوا و زیبایی‌شناسی صرف بسیار فراتر می‌رود (Barati, 2001, 14). از نگاه برخی از پژوهشگران هدف کلی باغ ایرانی حصول همنشینی انسان با طبیعت است که به‌صورت کششی دیرینه در نهاد انسان وجود دارد (Daneshdoust, 1999, 214). برخی دیگر بر جنبه خلق فضا با عناصر طبیعی تأکید کرده‌اند. شاهچراغی آن را تلفیق خردمندانه گیاه، آب و ابنیه در نظم معماری مشخصی می‌داند که منجر به خلق محیطی مطلوب، ایمن و آسوده برای انسان می‌گردد (Shahcheraghi, 2011, 41).

زیبایی در باغ ایرانی در ابتدا همراه با مفاهیم خیر و مفید به‌صورت بسیط و یک‌جا معنی می‌شده است. از این‌رو مؤلفه‌های ذهنی محیط زندگی ایرانیان در طول تاریخ همچون دین، آیین، فرهنگ، قدسیت، اقلیم و عملکرد در آفرینش زیبایی در باغ ایرانی غیرقابل اغماض است. محصول تعامل عوامل یادشده نظامی از زیبایی‌شناسی دوگانه است. از یک‌سو مبتنی بر ادراک محسوس و لذت‌آفرینی برای حواس انسان است و از سوی دیگر شخصیتی نمادین و نشانه‌ای دارد (Mansouri, 2006, 60). باغ ایرانی پیوند زیبایی و سودمندی است (Pirnia, 1994, 9) و نیز موجودیتی است گویای نیازهایی که هم روزمره‌اند و کاربردی... و هم معنایی‌اند و انتزاعی» (Falamaki, 2004). در طراحی باغ ایرانی هیچ عنصر و یا فضایی بدون هدف رها نشده است. به‌عنوان مثال ترکیب و ترتیب کاشتن گل‌ها در باغ‌های ایرانی به‌صورت تجربی-علمی و تابع روابط و ناظر بر کارآیی، پویایی و مقابله با ناسازگاری‌های محیطی بوده و نیز زیبایی و چشم‌نوازی آنها در فصول مختلف در نظر گرفته می‌شده است (Clouston, 2007, 121). کشت گیاهان دارویی خوراکی و عطر و اسانس برخاسته از آن سیستم عصبی را تحریک می‌کند و آرامش انسان و تسکین روان وی را به‌همراه دارد (Nili & Soltanzadeh, 2013, 69). «کاشت گل‌های رنگین، به‌مثابه اسباب ادراکی تأثیری ویژه دارد، به‌طوری که رنگ‌های گرم برای شادابی و تحرک و سرزندگی و رنگ‌های سرد برای بزرگ‌تر نمایاندن باغ استفاده می‌شود. بر این اساس التفات به نوع رنگ و اثربخشی روانی آن می‌تواند در نوع کاربری باغ و نحوه استفاده کاربران تأثیرگذار باشد و آنها را به حرکت و پویایی یا سکون و مانایی وادارد» (Mahmoudinejad et al., 2005, 133). بنابراین از یک‌سو وابستگی انسان و طبیعت و بهداشت روان و از سوی دیگر تجربه‌های پیشین در ساخت باغ‌ها و کیفیت دلپذیر حاصل از به‌هم پیوستن مناسب طبیعت و محیط مصنوع در آنها موجب شده تا اصول باغ‌های تاریخی در طراحی دوباره و بازآفرینی آنها متناسب با زندگی امروز مورد توجه طراحان و پژوهشگران قرار گیرد (Shahcheraghi, 2011, 37).

٤. باغ ایرانی در شهر معاصر یا شهر ایرانی- اسلامی امروز

در باغ ایرانی در عین اینکه در مکان زمینی و بدون فراتکنی ذهنی قرار گرفته‌ایم، آدمی با ساحت مقدس پیوند پیدا می‌کند و حس آرامش و خالی از هر تنش، همراه با حضور در محیطی تفکر برانگیز به او القاء می‌شود بنابراین باید تمهیداتی برای افزایش این مناظر در سطح مصنوعات بشری اندیشید (Nili & Soltanzadeh, 2013, 70). به اعتقاد(Barati (2011 اگرچه باغ ایرانی یک هویت و موجودیت واقعی دارد و متعلق به جامعه و فرهنگ ایرانی است و این موضوع توسط نویسندگان ایرانی و همچنین تاریخ‌نویسان، اندیشمندان، سفرنامه‌نویسان و هنرمندان غیرایرانی هم به‌طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است، ولی هیچ‌کس در فکر بازگرداندن الگوی باغ ایرانی به صحنهٔ برنامه‌ریزی و طراحی محیط زیست شهری در ایران نیست و یا اگر هست کاری از پیش نمی‌برد (Barati, 2011, 14).

در حال حاضر یکی از مشکلات فعلی شهرها میزان تراکم بالا و کمبود فضاهای باز شهری است. از طرفی طراحی فضاهای سبز با تقلید صرف از پارک‌های اروپایی، پارک‌های ما را به فضاهایی مشابه، بی‌هویت و با هزینه‌های بالای نگهداری تبدیل کرده است. بسیاری از این فضاها به‌سبب اقلیم خاص ایران فقط در برخی فصول گرم‌تر مراجعه‌کنندگان زیادی دارند و در سایر فصل‌ها به‌دلیل سردی هوا و محدود شدن تفریحات

در فضاهای آزاد بی‌استفاده می‌مانند. از طرفی در شهرهای امروزی بسیاری از شهروندان فرصت کافی برای استفاده و رفتن به پارک را ندارند و با توجه به تأثیرات روانی پوشش گیاهی و ارتباط آن با راندمان کاری و سلامت افراد، لازم است فضای سبز به‌شکلی جدید در دسترس شهروندان قرار گیرد. بسیاری از این فضاهای سبز نیز به‌سبب طراحی‌های بیگانه و عدم ارتباط مخاطب با فضا با استقبال مردم مواجه نشده و در نتیجه به فضاهایی ناامن و جرم‌خیز تبدیل شده‌اند. این در حالی است که اگر فضایی خاطرات مخاطب خود را برانگیزد و ذهنیتی را برای او ایجاد کند بر او تأثیر مهم و فزاینده‌ای خواهد داشت (Masnavi, 2011). شباهت فضا و یا عناصر آشکار و پنهان در آن، این واکنش را ایجاد می‌نماید. زیرا انسان با مشاهده یک فضا آن را به فضای ساخته شده دیگری ربط می‌دهد و آن را با ذهنیات قبلی خود مربوط می‌سازد و پیش‌قضاوت‌های خود را راجع به فضای جدید صادر می‌نماید (Pakzad, 2006, 148). اینجاست که ضرورت ترکیب محوطه‌های باز شهری و محوطه کاربری‌ها، نظیر کتابخانه و بیمارستان و... با فضای سبز در بهترین حالت آن یعنی باغ ایرانی می‌تواند راه‌حلی برای این مشکل باشد (Vahidzadegan & Masnavi, 2011). گوناگونی فضاها به مخاطب فرصت تجربیات مختلف را می‌دهد. فضاهای جمعی و یا انفرادی مناظر حق انتخاب را شدت می‌بخشد (Volker, 2011, 9).

۵. تجربه‌های عملی معاصر از باغ‌های تماتیک

از تجربیات عملی در زمینه خلق باغ‌های مفهومی در شهر بر اساس نیازهای شهروندان می‌توان به طرح جامع اراضی عباس‌آباد تهران- سال ۱۳۸٤ اشاره نمود. زمین‌های عباس‌آباد در پهنهٔ شهر تهران نقش برجسته‌ای دارد و یکی از معدود ذخیره‌گاه‌های اکولوژیک شهر تهران است. ویژگی زیست‌محیطی فضا و گسترهٔ بسیار آن برای توسعهٔ پایدار شهر تهران و ارزش‌های اقتصادی نیز بر اهمیت این گستره می‌افزاید. از دههٔ ۵۰ اندیشهٔ تبدیل اراضی عباس‌آباد به مرکز نوین شهری شکل گرفت. این بخش از شهر پیش از آنکه دگرگونی‌های بنیادینی در تپه‌های آن روی دهد، ویژگی‌های طبیعی خود را داشت. در طرح جامع عباس‌آباد (۱۳۸٤) طراحی برای پدید آوردن باغ‌های موضوعی در این گستره اندیشیده شده است. این طرح با هدف ایجاد فضاهای فرهنگی و افزایش کیفیت محیط زیست تهران و پاسخگویی به نیازهای نوین زندگی شهری و شهروندان به فضاهای باز و سبز در مقیاس‌های مختلف کارکردی: محلی، شهری و ملی تهیه شده است. بیش از ده باغ موضوعی از جمله باغ کتاب، باغ نوروز، باغ آب و آتش، باغ تفرج را در پهنه بیش از پانصد هکتاری در شمال مرکز شهر تهران در اراضی عباس‌آباد برنامه‌ریزی و ایجاد نموده است (Naghsh-e-Jahan Pars, 2005). از ویژگی‌های این طرح آن است که فضایی پدید می‌آورد که در آن مفهوم باغ ایرانی بر پایهٔ نیازهای امروزی شهر تهران شکل می‌گیرد. این باغ‌ها از یک‌سو شناسانندهٔ سنت و معماری ایرانی خواهد بود و از سوی دیگر بخشی از نیاز به فضای سبز در گسترهٔ کلان‌شهر تهران را تأمین می‌کند و ضمن اینکه ذخایر طبیعی شهر را نگهداری می‌کند فضایی برای مدیریت بحران این شهر نیز فراهم می‌نماید (Masnavi, 2012).

۶. گونه‌شناسی باغ ایرانی

تاکنون معیارهای گوناگونی اساس و پایه دسته‌بندی باغ‌ها در ایران بوده از جمله: وسعت و کارکرد نظیر باغ سکونتگاهی، باغ حکومتی، باغ مزار و باغ میوه (Soltanzadeh, 1999)، مشخصات کالبدی زمین استقرار شامل باغ‌های مسطح و کم‌شیب، باغ‌های شیب‌دار و صفه‌بندی شده، باغ‌های احداثی در زمین‌های با عوارض طبیعی نظیر دریاچه و رودخانه و باغ در بافت شهری (Varjavand, 1996)، اقلیم و جغرافیای شهر و ناحیه قرارگیری باغ شامل باغ‌های اصفهان، باغ‌های کرانه دریای خزر، تهران، باغ‌های شیراز، باغ‌های شمال و جنوب (Wilber, 2004)، دوره‌های تاریخی ایران شامل باغ‌های هخامنشیان، ساسانیان و... (Khansari & Moghtader & Yavari, 2004) یا عناصر ویژه نظیر باغ‌چادر، باغ‌تجیر، باغ‌کوشک و... (Ansari, 1999). بنابر این دیده می‌شود که باغ ایرانی در ترکیب با شرایط و موقعیت‌های مختلف هماهنگ با نیاز پیش رو فضایی کاربردی را خلق کرده است. مستندات متعدد نشان می‌دهد که باغ ایرانی قرن‌ها خود را به اشکال مختلف بازتولید کرده است. این موضوع و چنین شکل پایداری در دوره‌های طولانی تاریخی نشان از یک همبستگی عمیق بین این عنصر با سایر ابعاد و جنبه‌های فرهنگ ایرانی دارد (Khansari & Moghtader & Yavari, 2004). کهن‌الگوی باغ ایرانی در طول تاریخ از مقیاس معماری تا مقیاس شهری بازآفرینی شده است. به‌ویژه آنکه سبک باغ‌سازی ایرانی بعد از تحول بزرگی مانند ورود اسلام به ایران و پذیرش این تحول ایدئولوژیکی عظیم، همچنان توسط اکثریت ایرانیان ادامه یافته است. باغ ایرانی تنها یک پدیده هنری در حوزه معماری نیست، بلکه یک پدیده فرهنگی و چندبعدی است. هر عنصر فضایی مانند فضای سبز سازمان‌یافته آنگاه که در مکان‌ها و زمان‌های مختلف تکرار می‌شود و فرم‌ها و جزئیات مشابهی را به نمایش می‌گذارد، لاجرم باید واجد یک بستر معناشناختی باشد (Barati, 2011, 12). بررسی و شناخت این لایه‌های معنایی می‌تواند راهگشای استفاده ما از این کهن‌الگوی ایرانی برای تلفیق آن در شهر امروزی باشد.

باغ ایرانی تنها ناشی از خلاقیت‌های ذهنی طراحان نیست. در واقع، الگوی اسطوره‌ای و گوهر باغ از قبل تعیین شده است؛ عناصر اصلی و چیدمان آنها مشخص هستند و حتی انواع خاصی از درختان و گیاهان در اغلب باغ‌های ایرانی به‌چشم می‌خورند. در اینجا خلاقیت طراح به درکی بهتر و عمیق‌تر از مفهوم فرهنگی- تاریخی باغ باز می‌گردد. شاید آنچه در حوزهٔ خلاقیت در چنین حالتی قابل ذکر است، قبض و بسط مفهوم اولیه و ثابت «باغ» باشد (Barati, 2011, 14). اگر قرار باشد از باغ ایرانی در دوران معاصر سخن بگوییم، اصلح آن است که باغی طراحی و ساخته شود که ضمن آنکه از فرهنگ ایرانی ملهم باشد، کالبد آن یادآور ارزش‌های فرهنگ ایرانی باشد و تجارب سایر تمدن‌ها را به‌صورت بومی‌شده به‌کار گرفته باشد، بتواند القاءکننده و یادآور ارزش‌های فرهنگی باشد، به نیازهای زمان پاسخ گوید و همچنین مجموعه آن هویتی ایرانی داشته و به‌عنوان الگویی مستقل ایفای نقش کند (Naghizadeh, 2004, 72).

۷. نظام‌های معنایی باغ ایرانی در گذر زمان

روح مکان جلوه‌ای از روح انسان یا جامعه‌ای است که مکان را پدید آورده است؛ اگر مکانی هماهنگ با روح (فرهنگ، تاریخ و آرمان‌های) جامعه باشد جامعه را در سیر به کمال و تعالی یاری نموده و در غیر این‌صورت روح جامعه و معنویت آن را به اضمحلال و تباهی سوق داده است و سد راه کمال و تعالی‌اش

می‌شود. وقتی از روح مکان سخن به‌میان می‌آید، منظور اصول حاکم بر معماری و شهر است که این اصول نیز از جان و باورها و اعتقادات اهل شهر و پدیدآورندگان و حاضران در شهر سرچشمه می‌گیرد (Naghizadeh, 2013, 45).

در دائره‌المعارف اسلامی در توضیح واژه باغ آمده است «محوطه‌ای غالباً محصور، ساخته انسان... که بر قواعد هندسی و باورها مبتنی است» (Encyclopedia of Islam World, 2002, 206) لکن اغلب محققان و باغ‌شناسان علاوه بر شناساندن ویژگی‌های کالبدی باغ ایرانی همواره هم بر نظام‌های معنایی و هم بر تأثیرات روانی محیط باغ بر انسان تأکید کرده‌اند و به تأثیر محیط باغ بر ایجاد آرامش در انسان و نیز دعوت به تأمل و اندیشه اشاره کرده‌اند (Shahcheraghi, 2009,72)

Subtanly می‌گوید باغ ایرانی نمونه‌ای همخوان با بستر طرح است که پس‌زمینه‌هایی فلسفی را به بیننده القا می‌کند (Subtanly, 2008, 18)، اما مهم‌ترین اصل و ارزش وجه فلسفی فرهنگ ایرانی این است که هر چیزی را واجد معنا می‌داند که در خلق آثار هنری، یا هر نوع اثر دیگری از آن به سیر از خاک و ماده و دنیا به آسمان و معنا و آخرت و ماوراءالطبیعه تعبیر می‌شود؛ یا به‌عبارت ساده می‌توان از آن به سیر از «ماده و ترکیب» به «معنا و تجرد» تعبیر کرد (Naghizadeh, 2004, 64). همین اصل است که در قلمرو معنوی برای ارائه طرح باغ در فرهنگ ایرانی اخذ شده است. شاهچراغی به نقل از Grimal می‌نویسد مورخین یونانی وقتی باغ‌های پارسیان را می‌ستودند و درباره آنها مطالعاتی انجام می‌دادند به نقش عمق شکل‌پذیری عناصر آنها اشاره چندانی نکرده‌اند. خطوط هندسی ویژه آنها تنها نوعی شکل‌دهی منظم به طبیعت تلقی شده است در حالی که این خطوط به‌ویژه به ساختارهای مفاهیم عرفانی و مقدس جوابگو بودند(Shahcheraghi, 2011, 121).

در ایران تاریخی و قبل از اسلام با تقدیس طبیعت، باغ تمثیلی از کیهان قلمداد می‌شد؛ اما پس از گسترش اسلام در این سرزمین نیز این رویکرد با تفکر اسلامی پیوند خورد. در دوره‌های تاریخی پس از اسلام تلاش در هرچه شبیه‌تر ساختن باغ‌ها به باغ بهشت توصیف شده در قرآن، سبب شد تا نظام معنایی باغ ایرانی در تغییر پارادایم فکری و عقیدتی بازآفرینی شود. به‌بیان دیگر «باغ ایرانی به‌مثابه تمثیلی از کیهان» درگذشته «بازسازی رخداد کیهانی و زایش دوباره جهان مینوی» بود (Dadbeh, 2004, 30). در دوران پس از اسلام «بی‌تردید ملهم از آیات قرآن که بهشت موعود را توصیف می‌کنند» (Schimmel, 1999, 26) ساختاری نو در نظام معنایی‌اش می‌یابد و نوعی نوزایی و بازآفرینی در آن رخ می‌دهد. بنابراین نظام‌های کالبدی و کارکردی باغ ایرانی ظرف مناسبی برای نظام‌ها معنایی آن به‌عنوان مظروف هستند. پارادایم عقیدتی و فرهنگی انسان ایرانی تاریخی باغ را تمثیلی از کیهان، انسان مسلمان، تمثیلی از بهشت قرآنی و انسان ایرانی مسلمان عارف، باغ را تمثیلی از وجه باطنی خلقت معرفی کرد (Shahcheraghi, 2011, 123). حال سؤال این است باغ ایرانی که در طول ۲۵۰۰ سال مظروفی پویا در پارادایم‌های متغیر عقیدتی و فرهنگی بوده، چگونه می‌تواند در دنیای معاصر در کنار سایر کاربری‌های مورد نیاز شهر امروزی مورد توجه و استفاده قرار گیرد؟ فضای شهری مانند هر پدیده دیگری دارای سه مؤلفه فرم به‌عنوان بخش قابل ادراک از طریق حواس، عملکرد به معنای خاصیتی که جوابگوی نیازهاست و معنا به‌عنوان هدایت‌کننده فرد به جنبه‌های دیگری از زندگی است. هر قدر مؤلفه‌های یک فضای شهری با هم همسوتر و هماهنگ‌تر باشند، آن فضا موفق‌تر است. در سال‌های اخیر تغییر فرم و عملکرد بسیاری از فضاهای شهری به ایجاد تناقضی میان فرم و عملکرد فضاها و معنای آن در ذهن شهروندان منجر شده است و مسبب بسیاری از اغتشاش‌های رفتاری و نابسامانی‌های فرهنگی در فضای شهری ماست (Pakzad, 2002, 35).

۸. ادراک و شناسایی باغ ایرانی

ادراک مکانیزمی برون‌فرآیندی است که به چگونگی تحریکات اعضای حسی و جمع‌آوری اطلاعات مربوط است و شناخت یک مکانیزم درون‌فرآیندی و نحوه تأثیر تجارب پیشین، عوامل روان‌شناختی (مانند انگیزه‌ها و ارزش‌ها و...) و شخصیتی (درون‌نگر یا برون‌نگر بودن) افراد، در تعبیر و تفسیر آن اطلاعات حسی است (Mortazavi, 2002, 66). ادراک و شناخت به‌دنبال احساس‌های مجزا از هم صورت نمی‌پذیرد، بلکه ذهن فرد، پیام‌های دریافتی را به‌عنوان مجموعه‌ای معنی‌دار و در ارتباط با هم دریافت می‌کند. برخی افراد درخصوص عوامل کالبدی پیرامون، به ضرورت ادراک برای انتظام حواس انسان اعتقاد داشته‌اند؛ به‌طور مثال اینکه ادراک شکل، فرم، رنگ و بافت گل و گیاهان به نظم‌دهی حواس انسان می‌انجامد. همچنین لذت حاصل از آن ریشه در ارزش‌های حسی انسان دارد که خود هم قابلیت دعوت به محیط را داراست و هم فرد را به تمرکز هدایت می‌کند (Shahcheraghi, 2011, 162). برخی دیگر آن را در ایجاد حس مکان مؤثر دانسته‌اند. به اعتقاد پاکزاد ادراک قوی، معنی‌دار و همه‌جانبه از محیط موجب پیدایش حس مکان در باغ ایرانی می‌گردد. انسان با عدم ادراک خود و رابطه‌اش با جهان پیرامون دچار هراس می‌شود. پس در پی یافتن آرامش خاطر است، تعلق خاطر در این میان ملجأ و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق رهایی بخشد و او را به تکه‌هایی از هستی پیوند زند. هرچه فضا، انسان را بیشتر مخاطب قرار دهد و با او در تعاملی سهل‌تر قرار گیرد و هر قدر با عادات و الگوهای رفتاری وی هماهنگ‌تر بوده خاطره‌ها، انتظارات و آرزوهای وی را بیشتر پاسخ دهد، تعلق خاطر بیشتری را در انسان به‌وجود خواهد آورد (Pakzad, 2006, 147). برخی دیگر آن را با مفاهیم اکولوژیک مرتبط نموده‌اند. نظریه اکولوژیک ادراک، اطلاعات دریافتی از محیط توسط حواس پنجگانه و نیز ویژگی‌های نظام‌های جهت‌دهنده و حرکتی اصلی در محیط را مبنای اصلی نظام ادراکی انسان می‌داند. طراحی با توجه به یافته‌های این نظریه بر مبنای توجه مناسب به نظام ادراک حواس پنجگانه و نظام‌های جهت‌دهنده و پدید آوردن غنای حسی در محیط، می‌تواند از یک‌سو قابلیت و کیفیت دعوت‌کنندگی برای محیط پدید آورد و از سوی دیگر فرد را به تأمل، خودسنجی، خودارزیابی و خودشکوفایی دعوت نماید (Shahcheraghi, 2009, 75). در مقابل برخی بر تلاش باغ ایرانی در بسط لایتناهی بودن جهان پیرامون بیننده تأکید دارند. آنها معتقدند که هدف از آفرینش باغ ایرانی محصوریت و محدودیت ادراک انسانی نبوده بلکه هدف خلق مکانی لایتناهی برای به‌کارگیری تمام حواس انسان است، «لایتناهی و بی‌نهایت‌بودن یعنی «همه جهان را در خود منعکس‌کردن»، نه برخوردار بودن از مساحت زیاد. حتی کویری گسترده نیز محدود است؛ اما آینه‌ای کوچک لایتناهی. در باغ ایرانی، ادراک انسان از جهان ادراکی لایتناهی است؛ به سخن دیگر، احساس انسان دچار قبض نیست، زیرا هیچ متوجه دیوار باغ نیست» (Beheshti, 1999, 13).

اساس درک سنت معماری اسلامی ایران آن است که فضا به پیدایش صورت رهنمون می‌شود. در بررسی آثار به‌جا مانده از گذشته می‌توان مشاهده کرد که چگونه لایه‌های پنهان موجود

در بناها، فضایی درخور تعمق ایجاد کرده‌اند که به عدم حضور جسمانیت و مادیت ترکیب نزدیک می‌گردد. «در لابه‌لای بدنه معماری ایران، فضا هیچ‌گاه با قاطعیت مشخص نمی‌شود و ابهام ترکیبات پیچیده آن به دلیل غنا بخشیدن به منظره‌ای است که نمی‌توان آن را در یک قالب محدود و تمامیت‌یافته تفسیر کرد. این فضا حامل پیام از پدیده‌ای است که پدیده دیگری در درون خود دارد و حرکت به‌سوی آن، حرکتی به‌سوی بخش دیگر فضاست، با کلیت و جامعیتی گسترده» (Diba, 1995, 103) این شیوه پرداخت فضا در باغ ایرانی با ایجاد نوعی وسعت مجازی یا بی‌مرزی و تداوم فضایی و شفافیت نمود می‌یابد.

۸-۱. نظام تمرکز حواس در باغ ایرانی

در باغ ایرانی نظام تمرکز حواس که از تأثیر همزمان نظام جهت‌دهنده اصلی و نظام ادراکی حواس پنجگانه منتج است، بر احساس و ادراک محصوریت و حس خلوت در فضای باغ توسط انسان تأکید می‌کند. انسانی که در محور اصلی باغ حرکت می‌کند به‌ندرت می‌تواند دیوار پیرامونی باغ را ببیند. این موضوع نه به‌دلیل فاصله از آن، بلکه به آن علت است که محورها و مسیرهای حرکتی در باغ ایرانی در واقع دیدرو هستند و محصوریت بصری به‌وجود می‌آورند. صدای آب و پرندگان، محصوریت شنوایی ایجاد می‌کند و رایحه و عطر گل‌ها و میوه‌ها حس بویایی و چشایی را جلب می‌کند و حرکت بر زمین نرم، همواره احساس لطافت گیاهان و آب، در حرکت به سمت کوشک، حس لامسه انسان را متوجه خود می‌کند. بنابراین به‌دلیل اینکه در باغ ایرانی غنای حسی وجود دارد، در یک زمان واحد تمامی حواس پنجگانه انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با ایجاد حس محصوریت، انسان را از محیط بیرون باغ (خواه کویر باشد یا شهر یا حومه پر از ازدحام) جدا می‌کند. با جدایی وی از محیط بیرون در مرحله نخست نوعی آرامش برای انسان به‌وجود می‌آورد. این احساس محصوریت می‌تواند انسان را به احساس خلوت مطلوب نیز هدایت کند (Shahcheraghi, 2011, 169).

باغ ایرانی فضای آرامش و آسایش و محل غور و اندیشه تعریف می‌شود. در این مرحله بیننده بر اساس تجربیات و اطلاعات پیشین که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از محیط فرهنگی دریافت کرده، به درک نظام معنایی باغ ایرانی و یا حداقل باور آنها نائل می‌شود و به نظام‌های معنایی پیوند می‌خورد. بنابراین نظام تمرکز حواس که برگرفته از نظام‌های کالبدی باغ و ویژگی‌های طرح‌اندازی باغ ایرانی است تأثیر چندجانبه‌ای بر انسان دارد که به‌طور خلاصه به‌شرح زیر است:

- پیوند میان نظام‌های کالبدی و معنای باغ
- تأثیر بر کیفیت دعوت‌کنندگی باغ به آرامش
- تأثیر بر کیفیت دعوت‌کنندگی محیط به تأمل و دریافت معانی باغ
- تأثیر بر کیفیت تأمین خلوت مطلوب در باغ و دعوت به خودارزیابی فردی
- تأثیر بر ایجاد اسباب خودشکوفایی فردی و جمعی
- تأثیر بر بهداشت روان فرد

می‌توان گفت نظام تمرکز حواس در باغ ایرانی از یک‌سو موجب گسست و انفصال محیط باغ از محیط اطراف در نظر مخاطب می‌شود و از سوی دیگر اسباب دریافت نظام معنایی و اتصال به حیطه معنا را برای انسان پدید می‌آورد. بنابراین می‌توان گفت باغ‌سازی با هدف ارتقای کیفیت محیطی سرزمین (در گذشته) می‌تواند به باغ‌سازی با هدف ارتقای بهداشت روان (در دنیای امروز) تغییر پیدا کند (Shahcheraghi, 2011, 171). با توجه به آنچه شرح آن رفت، این همان نیاز اصلی شهر و شهروند امروزی است. ترکیب بافت، فرم، رنگ و عملکرد، تنوع را باعث می‌شود که کمبود آن یکنواختی و ازدیاد آن سردرگمی را به‌همراه دارد. این همان ویژگی مؤلفهٔ تعدد فضایی با منظر متنوع است که در فرد واکنشی مثبت نسبت به محیط ایجاد می‌کند (Nili & Soltanzadeh, 2013, 69). نظام تمرکز حواس در طبیعت بکر نیز وجود دارد، اما در باغ ایرانی تحت تأثیر قرار دادن حواس بر اساس خواست انسان و به‌صورت هدفمند و به‌صورت متمایز و تشدید یافته‌ای نسبت به سایر موارد مشابه به‌کار گرفته می‌شود و در واقع عناصر طبیعی و مصنوع به‌طرز ویژه‌ای متناسب با حواس پنجگانه انسان طراحی و مستقر شده‌اند.

۸-۲. نظام جهت‌دهنده اصلی

نظام ساختاری هنری باغ ایرانی تنها به شکل ظاهری برای سازماندهی کالبد باغ محدود نمی‌شود بلکه در مقام ابزار انتزاعی، در ذهن آدمی نیز رابطه‌ای ایجاد می‌کند که قابل بررسی است. چرا که هندسه مباحث بسیار جدی مثل نظم و رابطه و مناظر را می‌آفریند و رابطه بین باغ و فضای فکری آدمیزاد را شکل می‌دهد (Falamaki, 2004, 4).

مطالعات متعدد نشان می‌دهد که انتزاع در طراحی محیط برای فردی که استرس دارد قابل تحمل نیست و باید مشخصه‌هایی که به‌وضوح قابل شناسایی هستند در طراحی آن دخالت داده شوند تا بر خوانایی محیط افزوده شود. در واقع هنر انتزاع در باغ و امکانات موجودش اغلب نامناسب است (Tyson, 1998). در باغ ایرانی نیاز به جهت‌یابی انسان در فضا به‌خوبی در نظر گرفته شده است. خلقت عالم کبیر و صغیر که نمایشگر ویژگی‌های هدایتی‌اند این بینش را تقویت می‌کند، تأثیر هدایتگری پدیده‌ها در باغ‌سازی آشکارا نمود می‌یابد و مکان‌بندی یا موقع‌بخشی نقاط عطف میان چشم‌انداز اغلب تشدید می‌شود. در اسلام هیچ حرکتی از بعد الهی جدا نیست و هیچ حوزه‌ای نمی‌تواند از ارتباط با مفاهیم قدسی رها شود... مسلمانان همیشه سعی داشتند در گستردگی غیرقابل تفکیک هبوط زمینی، راه خود را بیابند (Haider, 1998, 73-78). از این‌رو معماری نیز باید نیاز انسان به هدایت را اجابت نماید و همچنین سهمی در خوانایی جایگاه انسان داشته باشد. در این راستا مفهوم جهت در اولین مراتب ضرورت خود را اعلام می‌نماید. این مفهوم در معماری منجر به شکل‌گیری محورها می‌شود که همواره سعی در دستگیری و نشان‌دادن راه به او دارند. در باغ ایرانی سلسله‌مراتبی از فضاها می‌توانند آنچنان در ادامه یکدیگر قرار بگیرند که مسیری را تداعی کنند؛ اعم از آنکه بتوان در آن مسیر حرکت کالبدی داشت (جهت حرکتی) و یا اینکه صرفاً بتوان از لحاظ حسی آن مسیر را ادراک کرد (جهت حسی). در مراتب بعدی مفهوم جهت، منجر به‌نوعی شناخت انسان از خود و یافتن جایگاه خود نسبت به مبدأ عالم هستی می‌شود. نظام جهت‌دهنده اصلی در باغ ایرانی همراه تمرکز حواس، محیط مساعد برای خلوت مطلوب، کسب آرامش و تأمل برای انسان پدید می‌آورد (Razjuyan, 1998, 127).

۹. یافته‌های پژوهش

با توجه به برآیند مفاهیم ارائه شده باغ ایرانی محیطی است طرح‌اندازی شده که ریشه در تفکرات نیاکان ما دارد و خوانش مجدد آن در فضای شهر امروزی تنها با تقلید از شکل ظاهری آن امکان‌پذیر نیست. با توجه به اینکه باغ ایرانی منحصر به یک شکل محدود نبوده بلکه شهر، میدان، قبرستان، مدرسه و... را نیز شامل می‌شود، می‌تواند در تلفیق با کاربری‌ها و

محوطه‌های شهری عرصه‌ای برای انجام فعالیت‌های اجتماعی، بهره‌مندی‌های دنیوی و نیز آموزه‌های دینی و فرهنگی باشد. با توجه به ضرورت طراحی باغ‌های موضوعی بر اساس شرایط اجتماعی، محیطی و فرهنگی ایران، ساختار باغ ایرانی در چارچوب مدل امروزی آن (باغ مفهومی-موضوعی) می‌تواند به‌صورت شکل **۱** نمود یابد

بازخوانی باغ ایرانی در کاربری‌های معمول و محوطه‌های شهری می‌تواند مزایای زیر را نیز به‌دنبال داشته باشد:

- وارد کردن باغ ایرانی به شهر ایرانی و اتصال جامعهٔ امروز به مسیر طولانی تاریخ و فرهنگ ایرانی
- طراحی فضاهایی با معنا و هویت ایرانی و استفاده از تجارب سایر تمدن‌ها به‌صورت بومی‌شده
- استفاده از کهن‌الگوها و بازگرداندن مفاهیم فراموش‌شده به شهر
- خارج‌کردن باغ ایرانی از حالت موزه‌ای و بازخوانی آن در حیات پویای شهر
- بهبود شرایط اکولوژیکی و زیست‌محیطی شهرها بدون نیاز به اختصاص دادن سطوح وسیعی از شهر به پارک
- وارد کردن باغ و فضای سبز به شکلی جدید به زندگی روزمره مردم و کاهش استرس و ناآرامی‌های محیط شهری
- تبدیل کاربری‌های شهری به باغ‌های موضوعی
- تناسب ایده با اهداف توسعه پایدار و مناسب شهرهای امروزی و طراحی متناسب با محیط با کمترین هزینه، کاهش مصرف آب، هزینه نگهداری و...
- استفاده بهینه از انرژی‌ها و جلوگیری از هدر رفتن منابع
- ایجاد خرداقلیم‌ها با محیط‌های سایه‌گستر و دلپذیر برای استفاده‌کننده و ایجاد آسایش اقلیمی و بصری بدون نیاز به صرف هزینه زیاد.
- اتکا به دو اقدام نیازسنجی و نظرسنجی و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی در مقیاس محله

c	شناسایی بافت‌ها و کاربری‌های موجود
گام ۲	تعیین نیازهای فرهنگی-اجتماعی-اقلیمی
گام ۳	بررسی نحوه توزیع کاربری‌های پارک و فضای سبز و محوطه‌ها و فضاهای بازشهری منطقه/محله
گام ٤	تعیین کارآمدی و انطباق پارک و فضای سبز و فضاهای باز با نیازهای مطرح شده در بند **۲**
گام ۵	تشخیص و تعیین تبدیل فضای موجود به باغ مفهومی مورد نیاز
گام ۶	تعیین و شناسایی فضاهای پتانسیل برای ایجاد باغ مفهومی جدید بر اساس فرهنگ و نیازهای محله (با نیازسنجی و نظرسنجی از کاربران محلی)
گام ۷	بازخوانی و تلفیق باغ مفهومی متناسب با هر یک از کاربری‌ها و فضاها و محوطه‌های موجود (باغ مطالعه، باغ گالری، باغ شفابخش و...)
گام ۸	مطالعه و بازخوانی نمادها (نمادهای گیاهی، هندسی و...) و معانی باغ ایرانی متناسب با زمینه مورد نظر جهت تلفیق و انطباق کاربری‌ها و محوطه‌ها و فضاهای سبز با باغ مفهومی مورد نیاز شهروندان
گام ۹	تدوین برنامه و اهداف باغ مفهومی
گام ۱۰	تلفیق و طراحی باغ مفهومی

شکل ۱. فرآیند بازیابی باغ ایرانی در قالب باغ‌های موضوعی-مفهومی در شهر ایرانی-اسلامی (**مأخذ:** نگارندگان)

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بازیابی نقش از دست‌رفته یا زوال‌یافته باغ ایرانی به‌منظور بازگرداندن باغ ایرانی به عرصه معماری و شهرسازی معاصر و انطباق آن با نیازهای نوین زندگی شهری و در عین حال تداوم نقش و کارکردهای اکولوژیک آن در قالب اندیشه باغ‌های تماتیک یا موضوعی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ارزش اقتصادی زمین از عوامل اصلی در اختصاص سرانه بسیار پایین فضای سبز خصوصاً در شهرهای بزرگ به‌شمار می‌رود و از طرفی انسان شهرنشین امروزی به دلایلی از جمله ساعات کار طولانی در محیط‌های کار، دور بودن فاصله پارک‌ها از خانه‌ها و نامناسب بودن توزیع و تعداد آنها، فرصت کمتری برای رفتن به پارک و استفاده از فضاهای سبز دارد. افزون بر آن یکسان بودن طراحی و کارکردهای پارک‌ها در مناطق مختلف شهری آنها را به فضاهایی یکنواخت و فاقد تنوع و جذابیت در معنا و مفهوم تبدیل نموده است. در جستجوی راهی برای وارد کردن فضای سبز با درک مفاهیم اصیل باغ ایرانی و قابلیت دسترسی آسان به آن از طریق توزیع فضایی مناسب در تلفیق و ارتباط تنگاتنگ با سایر کاربری‌های شهری، طراحی باغ‌های تماتیک (موضوعی) در شهر و در تلفیق با کاربری‌ها و محوطه‌های شهری می‌تواند راهی برای بازگرداندن روح و معنای حاکم بر فضای سبز و باز شهرها با الهام از موضوعات و معانی باغ ایرانی به شهر معاصر و تقویت‌کننده باغ-شهرامروزی باشد. در این شرایط به‌جای محوطه‌های بی‌روح و کاربری صرف در کتابخانه‌ها، گالری‌ها و بیمارستان‌ها، باغ‌های نوین مطابق با نیازهای روز نظیر باغ کتاب، باغ گیاه‌شناسی، باغ نمایش، باغ موسیقی (آوا)، باغ فرهنگ، باغ میدان، باغ فلسفه، باغ‌های شفابخش و سایر نیازهای شهروندان می‌تواند در چارچوب مفهومی باغ ایرانی راهگشا باشد. یافته‌های تحقیق در مورد گونه‌شناسی و نحوه نمود باغ ایرانی در شرایط گوناگون گذشته و بررسی ادراک و شناسایی باغ ایرانی توسط بیننده، چگونگی استفاده از این کهن‌الگوی باغ ایرانی را جهت تلفیق آن با کاربری‌های شهری بدون تقلید صرف از شکل ظاهری آن میسر می‌سازد. در این فرآیند یافته‌های دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که دو اصل نظام‌های جهت‌دهنده و نظام‌های درگیری حواس نقش اصلی را در ادراک حس مکان و هویت ایرانی باغ دارند که در نهایت ناظر را به درک نظام‌های معنایی باغ نائل می‌کنند. نکته مهم در یافته‌هایی پژوهش این است که این طرح به‌عنوان یک ایده مطرح شده است و در هر مورد با توجه به نوع کاربری و زمینه بازخوانی باغ ایرانی با بررسی نمادها و معانی این کهن‌الگوی ایرانی از قبیل نمادهای گیاهی و هندسی و... می‌توان راه‌حل‌های گوناگونی ارائه کرد. باغ موضوعی باید منطبق با زمینه و بستر فیزیکی و فرهنگی مورد نظر طراحی شده و تجلی کالبدی خاص خود را داشته باشد و این کار بر اساس دو اقدام نیازسنجی و نظرسنجی از کاربران و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی محله صورت گیرد که شرح هر کدام از باغ‌های موضوعی می‌تواند در آینده در پژوهش‌های مجزایی مورد بررسی قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

مؤلفان مراتب قدردانی خود را از پارک علم و فناوری دانشگاه تهران و معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه تهران برای حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایشان از این ایده ابراز می‌دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Genius loci
۲. Spirit of place
۳. Listening to land
٤. Garden city
۵. Broadacre city
۶. VilleRadieus
۷. Thematic garden

فهرست منابع

- Ansari, Mojtaba (1999) **The Values of Persian Garden**; unpublished PhD Dissertation, Faculty of Fine Arts University of Tehran.
- Barati, Naser (2004) "Garden in Persian culture and Language," **Journal of Baghnazar** (2) 3- 15.
- Barati, Naser (2011) "Garden or Park?The Contrast of Definitions in Two Various Languages", **Journal of Manzar** (16) 12- 15.
- Beheshti, Mohammad (1999) "Concept of Iranian Garden," **Journal of Golestan-e Honar**(12) 7- 15.
- Clouston, William Alexander (2007(Flowers from a Persian Garden and Other Papers, BiblioBazaar, LLC, Charleston, USA.
- Daneshdoust, Yaghoob (1999) "Iranian Garden," **Journal of Asar** ((18- 19) 218- 221.
- Dadbeh, Ariasp(2004) **Persian Garden and Devine wisdom**, in abstract book of the1st conference on Persian Garden, Tehran: Iran Cultural and Tourism Heritage Organization.
- Diba, Darab(1995) "Inspire of the Fundamental Concepts of Iranian Architecture," **Journal of Architecture & Culture**, (1)97-106
- Falamaki, Mohammadmansoor(2004) "Secrets of the Persian Garden," **Journal of Muzeha**, (41) 53 -55.
- Golkar, Koorosh(2011) **Creating Sustainable Place**; Tehran: Shahid Beheshti University.
- Haider, s. Gulzar(1998) **Islam, Cosmology and Architecture**, In The Architecture of Islamic Societies, Margaret, Bentley sevcenko (ed)massachusette: Aga Khan Program for Islamic architecture, Cambridge 7385-.
- Khansari, Mehdi and Mohammadrezamoghtader and MinooshYavari (2004) **Persian Garden, A reflection of Paradise**; Tehran: Iran Cultural and Tourism Heritage Organization.
- Mahmoudinejad, Hadi andMohammadreza Pourjafar and Mohammadreza Bemanian and Mojtaba Ansari (2005) "Garden Carpet," **Journal of Goljam**(8) 107- 124.
- Mansouri Amir(2006) "An introduction to Persian garden aesthetics," **Journal of Bagh Nazar**(3) 58- 63.
- Masnavi Mohammadreza(2011) **Sustainable Urban Forms Planning and Design Strategies: The Compact city**, **Urban Sprawl, and Mixed Use development in theory and practice**, LAP Publishing, USA, and UK.
- Masnavi, Mohammadreza (2011) **Course Teaching Texts, Principles of environmental design**; Tehran University.
- Masnavi, Mohammadreza(2012) **Garden in the natural urban context**, a lecture for the 4th Session of Iran Society of Architecture Elite, Web Address 2012:http://www. amordadnews. com/neveshtehNamyesh. aspx?NId=7305
- Mortazavi, Shahrnaz(2002) **Environmental Psychology and its applications**, Tehran: Shahid Beheshti University.
- Naderi, Jodi Rosenblatt&Barani Raman (2005) **Capturing impressions of pedestrian landscape used for healing purposes with decision tree learning**, Journal of Landscape and Urban Planning) 73(155166-.
- Naghizadeh Mohammad (2013) "Sense of presence, the Best way for the communication of man with environment," **Journal of Iran architectural Studies** (2) 2746-.
- Naghizadeh Mohammad (2013) **Analysis and Design of Urban Space**, Tehran: Jahad Daneshgahi.
- NaghizadehMohammad (2004) "The Garden of Essence, a Prototype for Design of Urban Space," **Journal of Environmental Sciences**, (40) 63- 75.
- Naghsh-e-JahanPars (N. J. P.) (2005) **Abbasabad Development Master Plan**, Tehran: Ministry of Housing and Urban Development and Tehran Municipality.
- Nili, Rana and ReyhanehNili and HoseinSoltanzadeh(2013) "Studding the Application of Healing Landscapes in Persian Gardens," **Journal of Bagh Nazar** (23) 64- 74.
- Nowroozzadeh Chegini, Naser(2002) **Great Islamic Encyclopedia**; Vol. 11; Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Pakzad, Jahashah(2002) "Expert Culture and People Culture," **Journal of Urban Management**, (8) 32- 41.
- Pakzad, Jahanshah(2006) **Theoretical Principles and Urban design process**, Tehran: publication Shahidi.
- Pirnia, Mohammadkarim(1994) "Iranian Garden," **Journal of Abadi** (15) 13- 25.
- Razjuyan, Mahmoud(1988) **Comfort through Climate Architecture**; Tehran: Shahid Beheshty University.
- Shahcheraghi, Azadeh(2011) **Paradigm of paradise**; Tehran: Jahad Daneshgahi.
- Shahcheraghi, Azadeh(2009) "Process Analysis of Persian Gardens Perception based on Theory of Psychological Ecology," **Journal of City Identity** (5) 71- 84.

- Schimmel, Annemarie(1999) The Celestial Garden; translated by OmidNikfarjam, **Journal of Ravagh** (3)21- 33.
- Soltanzadeh, Hosein (1999) **Continuation of Iranian Garden in Tajmahal**, Tehran: Cultural Research office.
- Subtanly Maria Eva (2008) “Persian Garden myth and reality,” Translated by DavoudTabayi, **Journal of Golestan-e-Honar** (12)16- 29.
- Tyson, Martha (1998) **The healing landscape Therapeutic outdoor environment**. New York McGraw hill.
- Vahidzadegan, Fariba and Mohammadreza Masnavi (2011) **Thematic garden, Top Idea of 2st Festival of Innovative & Technological Ideas**, Science and Technology Park, Tehran University.
- Van den Berg, Agnes &Jolanda Mass & Robert A. Verheij& Peter P. Groenewegen (2010) “Green space as a buffer between stressful life events and health,” Journal of Social Science &Medicine (70)1203- 1210.
- Varjavand, Parviz(1996) **Encyclopedia of Islam World**, Tehran: The foundation for Islamic knowledge.
- Velarde, Mariadolares& Fry, G&Tveit, M(2007) “Health effects of viewing landscape –Landscape type in environmental psychology,” **Journal of Urban Forestry &Urban greening** (6)199- 212.
- Volker, Sebastian & Thomas Kistemann (2010) “The impact of blue space on human health and well-being-Salutogenetic health effects of inland surface water a review,” **International Journal of Hygiene and Environmental Health** (214) 449- 460.
- Wilber, Donald (2004) **Persian Garden and garden Pavilions**, Translated by Mahindokht Saba, Tehran: Elmi- Farhangi publication.